



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۷ شهریور ۱۳۹۲

موضوع کلی: مقدمات

موضوع جزئی: مقدمه چهارم: بررسی احتمالات دهگانه در معنای ملکیت خمس مصادف با: ۱۲ ذی القعدة ۱۴۳۴

جلسه: ۳

سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

در جلسه گذشته سه مطلب به صورت اجمالی مورد بحث واقع شد؛ یکی زمان تشریح خمس بود دوم معنای خمس اصطلاحاً و سوم وجوه تشریح خمس بود که با استناد به روایات چهار وجه را ذکر کردیم اگرچه بعضی از وجوه قابل بازگشت به یکدیگر بودند. گفتیم خمس تشریح شده اولاً عوضاً عن الزکوة و ثانیاً اکراماً لهم و ثالثاً اقتضاً للامامة و الحكومة و رابعاً این بود که خداوند تبارک و تعالی و پیامبر و ذریه پیامبر (ص) مالک هستند نسبت به این عالم و چون مالک هستند نسبت به دنیا و مافیها بر طبق مفاد بعضی از روایات؛ بنابراین همه این دنیا مال آنهاست لکن از آنچه مربوط به آنهاست فقط ملتزم هستند به آنچه که از راه اسباب مقرر شرعیه نصیب آنها می شود یعنی با خریدن یا هبه مالک می شوند و از جمله اسبابی که در شرع برای آنها دیده شده خمس است. یعنی به حسب ادله نسبت به یک پنجم از اموال می توانند تصرف کنند.

مقدمه چهارم: معنای ملکیت خمس

آیا خداوند تبارک و تعالی و پیامبر و ذریه پیامبر (ص) مالک خمس هستند و اگر ملکیت پیدا می کنند این ملکیت به چه معناست؟ مثلاً طبق آیه ۴۱ سوره انفال «واعلموا انما غنمتم من شیءٍ فأن لله خمسة و للرسول و لذی القربی» لام در اینجا ظاهر در این است که خداوند تبارک و تعالی، رسول و ذی القربی مالک خمس هستند؛ این ملکیت به چه معناست؟ آیا منظور همین ملکیت های اعتباریه عقلائییه است که اگر این باشد به ارث می رسد یا نه معنای دیگری دارد.

از آنجا که خمس تقسیم به شش سهم می شود و سه قسمت از آن به عنوان سهم امام معروف است و سه قسمت به عنوان سهم سادات ملکیت در هر دو باید دید به چه معناست؛ آیا پیامبر (ص) و ائمه مالک هستند؟ آیا سادات مالک این مال می شوند؟ بالاخره اینجا بحث هایی وجود دارد که باید روشن شود. آیا می توانیم بگوییم ملکیت خدا و رسول از یک جنس است و ملکیت سادات از یک جنس دیگر است؟ یا نه باید به حسب سیاق آیه بگوییم هر نوع ملکیتی که برای خدا و رسول بیان کردیم برای سادات هم هست؟ پس مطلب اول این است که ملکیت خدا، رسول و ائمه نسبت به خمس به چه نحوی تصویر می شود؟

مطلب دیگری که به تبع این مطلب روشن خواهد شد این است که بعد از روشن شدن معنای ملکیت این سؤال هم پاسخ داده می شود که این ملکیت آیا ملکیت شخص است یا ملکیت منصب و عنوان است یعنی شخص رسول خدا مالک می شود یا نه عنوان رسول و امام و منصب امامت است که نسبت به این مال ملکیت پیدا می کند؟

پس دو مطلب باید اینجا معلوم بشود که البته با تشریح و توضیح مطلب اول تقریباً به سؤال دوم پاسخ داده می شود.

اهمیت بررسی معنای ملکیت:

بررسی معنای ملکیت از جهت دیگری نیز مهم است و آن اینکه در بیان وجوه تشریح خمس گفته شد رسول خدا و ائمه مالک همه چیز هستند؛ روایاتی داریم که دال بر این است که دنیا و ما فیها للرسول. صرف نظر از اینکه این روایات صحیح هستند یا نه (شاید اکثر این روایات از حیث سند ضعیف باشند اما بعضی از آنها سندشان قابل قبول است) مشکل دیگری دارد به اینکه اگر ما گفتیم همه چیز مال امام است پس آنچه که از آیات قرآن، روایات دیگر و فتاوی مجتهدین استفاده می شود با این روایات سازگار نیست. ظاهر بعضی از آیات قرآن با این روایات مخالف است مانند «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً»^۱ خطاب به مردم می فرماید: خداوند کسی است که زمین را برای شما آفرید. یا آیه «و الارض وضعها للانام»^۲ اگر ما بگوییم همه چیز مال رسول و ائمه (ع) است این با ظاهر این آیات مخالف است.

همچنین روایاتی داریم که نافی مضمون این روایات است از جمله روایاتی که در باب احیاء الموات وارد شده مانند «من احیا ارضاً فهی له»^۳ که به حسب آن روایات کسی که زمین موات را احیا کند آن زمین ملک اوست. و همچنین به فتاوی فقها هم که رجوع می کنیم در موارد بسیاری فتوی به ملکیت مردم داده اند؛ تکلیف این آیات و روایات و فتاوا با روایاتی که دال بر این است که همه چیز ملک رسول خدا و ائمه است چه می شود؟ حال فرض کنیم روایات صحیح هم هستند چگونه می توان بین اینها جمع کرد؟

لذا به این خاطر است که معنای ملکیت در اینجا اهمیت پیدا می کند؛ بهر حال باید بدانیم که اگر خمس برای پیامبر و ذریه پیامبر (ص) تشریح شده و آنها مالک می شوند این مالکیت به چه معناست؟ آیا این مالکیت با مالکیت مردم نسبت به اموالشان قابل جمع هست یا نیست؟ یعنی اگر کسی به مالش خمس تعلق بگیرد با اینکه ملک اوست ولی گفته می شود ملک ائمه است؛ اینها چگونه قابل جمع است؟

و همچنین برای اینکه به سؤال دوم پاسخ داده شود که این ملک منصب است یا ملک شخص، تعریف ملکیت اهمیت پیدا می کند. علی هذا ما باید اینجا معنای ملکیت را بفهمیم (این توضیحات اینجا داده شد تا اینکه در تعریف خمس گفته می شود این ملک رسول خدا و ذی القربی است این به چه معناست و دارای آثاری است و در بحث های مختلف این مسئله تعیین کننده است).

نصف خمس ملک و همه انفال ملک امام است و همچنین نصف دیگر خمس که ملک سادات است می خواهیم ببینیم این ملکیت به چه معناست. اینجا ده احتمال وجود دارد:

احتمالات مختلف در معنای ملکیت خمس:

احتمال اول:

اینکه بگوییم ملکیت خدا و رسول و ذی القربی (ع) در اینجا یک ملکیت تکوینی است؛ منظور از ملکیت تکوینی همان احاطه قیومیه و واجدیت حقیقیه نسبت به اشیاء است. برای اینکه این مسئله روشن شود مثال می زنیم. مثلاً گفته می شود انسان مالک عضو خودش می باشد به این معنی که واجد اعضاء خودش است این ملکیت، ملکیت تکوینی است. بلا تشبیه ملکیت خداوند نسبت به اشیاء این عالم از باب اینکه خالق و مکون این عالم است یک ملکیت تکوینی است یعنی خدا به این معنی

۱. بقره/۲۹.

۲. الرحمن/۱۰.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۴۱۲، کتاب احیاء الموات، باب ۱.

مالک همه چیز است و چون یک نحوه از این ولایت تکوینی برای رسول خدا و ائمه ثابت است لذا ملکیت رسول و ائمه هم مثل ملکیت خداوند یک ملکیت تکوینی باشد یعنی خداوند و رسول خدا و ائمه نسبت به نصف خمس مالکیت تکوینی دارند به این معنی که واجد آن هستند و احاطه قیومیه دارند. این احتمال از کلمات بعضی از بزرگان از جمله محقق ایروانی در حاشیه مکاسب^۱ و محقق اصفهانی در حاشیه مکاسب^۲ استفاده می‌شود.

بررسی احتمال اول:

این احتمال اساساً مردود است چون ما در یک حکم فقهی عقلائی بحث می‌کنیم و وارد کردن مباحث دقیق فلسفی و عرفانی اینجا اصلاً جایگاهی ندارد؛ این احاطه وجود دارد اما جای طرح آن در این بحث نیست.

احتمال دوم:

اینکه بگوییم خداوند تبارک و تعالی و رسول خدا و ذی القربی مالک به ملکیت اعتباری هستند مثل ملکیت آحاد مردم نسبت به اموالی که در اختیار دارند؛ اگر می‌گوییم زید مالک خانه است این یک ملکیت اعتباری است یعنی عقلاء اعتبار کردند اگر یک اسباب خاصی حاصل شد این مال اضافه پیدا کند به زید. ملکیت اعتباری یعنی اینکه عقلاً اعتبار ملکیت می‌کنند. پس احتمال دوم این است که معنای ملکیت یک ملکیت اعتباری است منتهی بالتشریک یعنی اینها به نحو اشاعه خمس را مالک می‌شوند مثلاً در آیه خمس «فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى» خداوند و رسول و ذی القربی را ذکر کرده معنایش این است که اینها مالک هستند منتهی به نحو مشاع مانند این که چند نفر با هم یک خانه را بخرند و همه به نحو اشاعه مالک آن شوند.

بررسی احتمال دوم:

این احتمال هم احتمال باطلی است اگرچه به نظر بعضی ممکن است ولی حق این است که این نحوه ملکیت قابل قبول نیست چون اساساً ملکیت اعتباریه در مورد خداوند معنی ندارد؛ اگر به عقلاً رجوع شود، عقلاً اصلاً اعتبار ملکیت به این نحو را برای خداوند نمی‌کنند و چنین چیزی را نمی‌پذیرند. در ملکیت اعتباری، ملکیت اصلاً به اعتبار عقلاً خلق می‌شود لذا باید عقلاً چنین ملکیتی را برای خداوند اعتبار کنند و اگر اعتبار کنند باید به لوازم آن ملتزم شوند؛ لوازم ملکیت اعتباری این است که بتواند خرید و فروش یا هبه کند که اینها در مورد خدا معنی ندارد. لذا این احتمال هم به نظر می‌رسد که باطل است.

احتمال سوم:

این احتمال همان احتمال دوم است با این تفاوت که دیگر شراکت در ملکیت نباشد بلکه هر کدام استقلالاً و معاً مالک باشند یعنی خدا و رسول به ملکیت اعتباری مالک باشند تمام ملک را مستقلاً یعنی خمس هم مال خدا باشد و در عین آن مال رسول هم باشد.

بررسی احتمال سوم:

این قول اساساً باطل است چون معقول نیست و عقلاً هیچ وقت ملکیت کامله دو مالک را نسبت به ملک واحد اعتبار نمی‌کنند مثل اینکه دو نفر نسبت به یک خانه هر دو بگویند همه این خانه مال من است.

۱. حاشیه مکاسب، ج ۱، ص ۱۶۷، سطر ۲۶.

۲. حاشیه مکاسب محقق اصفهانی، ج ۱، ص ۲۱۲، سطر ۲۸، طبع قدیم / ص ۲۴۱، سطر ۸.

احتمال چهارم:

اینکه خداوند تبارک و تعالی ملکیت حقیقه و تکوینیه داشته باشد اما رسول خدا ملکیت اعتباریه به اینکه بگوییم خداوند مالک خمس است به ملکیت تکوینیه اما رسول خدا ملکیتش از جنس ملکیت عقلاست.

بررسی احتمال چهارم:

این احتمال هم قابل قبول نیست چون ظاهر ادله به ویژه آیه ۴۱ سوره انفال است که جنس ملکیت خدا و رسول یکی است و تفکیک بین ملکیت خدا و رسول خلاف ظاهر ادله به خصوص آیه خمس است چون سیاق این آیه واحد است؛ به ملاحظه وحدت سیاق دیگر نمی توان ملکیتها را با هم متغایر دانست.

این مباحث مقدماتی بحثهای کلیدی و کاربردی می باشند که در مباحث خمس و انفال از آن استفاده می شود لذا باید به تفصیل و ریشه‌ای تکلیف آن معلوم و روشن شود.

بحث جلسه آینده: در این بحث شش احتمال دیگر هم وجود دارد که در جلسه آینده انشاء الله بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»